

نشاط زندگی

❁ افق زندگی

❁ زندگی و روانشناسی

❁ شجاعت اخلاقی

بحکم ضرورت زندگی ، همه ما در محیط خود دوستان داریم ، وقتی سبای روسی آنان را از مد نظر گذرانده ، روحیات هر یک را بررسی می‌نمائیم چنین میتوان برآورد کرد که بسیاری از آنان دل خوشی از زندگی ندارند ، نگران و مضطرب بوده عاقلانی از تم و اذیت و همیشه گداز کرده چهره آنان ، را احاطه نموده است . بجای عشق و امید روح با سر و بالمدی در آنان راه یافته ، همیشه از روزگار و زندگی شکوه و ناامید میکنند ، در برابر این عده ، گروه دیگری وجود دارند که گرمی و نشاط از چهره آنان نمایان است ، امید با اینکه مشکلات زندگی را در کاشمان گوارا کرده ، کوچکترین خطئی در عزم و اراده آنان وارد نمیسازد ، بدشواریهایی زندگی بپذیرده ، با قافله باز با استقبال مشکلات میروند ، بجای آس و سوختگی روح فعالیت و پشتکار در آنان وجود داشته ، از شروع تنبلی و سستی گریزان هستند ، در برخورد با ناملازمات متانت و خونسردی خود را حفظ کرده ، باعث دوراندیشی چنگی مشکلات میروند ، و با همان راسخی که دروایای قششان را نایابان نموده ، در برخورد با ملامت ها هیچ نوع تزلزلی بخود راه نمیدهند ، برای این عده در دورسای زندگی شله شریکی وجود ندارد .

علی علیه السلام درباره این افراد میفرماید : **قد احبنا عقله و ایمان نفسه حتى دق جلیله و لطف غلیظه فان له الطريق وسلک به السبیل** ، (۱) پیشی مرد

(۱) هیچ ابلاغه خطبه ۲۱۰

با ایمان عقل و خرد را ندیده کرده نفس خود را برانده و بدر خشنودگی و نور راه یافته است . افلاکون بردگترین فیلسوف یونانی پس از عمری تفکر و اندیشه با این نتیجه رسید که در تمام شئون زندگی آنچه استحقاق نگرانی و تشویش را داشته باشد هرگز وجود ندارد اگر این سخن را اندکی مبالغه آمیز فرض کنیم بدون تردید بیشتر مشکلات زائده افکار و روحیات نارسای خود انسانهاست ، و این خود افرادند که در محیط دنیای خود چهره نیمی سوزان بنامی کنند ، و گردن سراسر زندگی جز لطف و زیبایی و نشاط چهر دیگری وجود ندارد .

برخی گمان میکنند که تعجیلات زندگی میتواند خوشی و سعادت را برای آنان فراهم سازد ، ولی واقعیت زندگی برای آنان مدال میسازد که در اشتباه بوده ، و تاکنون در یافته اند که نشاط زندگی در گرو روحیات انسان است . اگر در محیطی رد اهل اخلاقی از قبیل شهوت و حرص و حسد ریشه کن کرده زندگی در چنین شله لنت بخش بوده ، همانند بهشت برین گوارا و لیسب خواهد بود . بنابراین افق زندگی همیشه در خشان است ، و این انسانها هستند که با هر اهرسی و آرزو سرچشمه آنرا تیره و تار میسازند .

تا گفته بیدار است که مقارن نه اینست که در محله زندگی ، هیچ نوع مشکل وجود ندارد و چهره خسی زندگی همیشه برونق عیال و در ساری افراد با نشاط میگرد ، بلکه مقصود اینست که این عده با برخورد با مشکلات ، خونسردی خود را حفظ نموده ، با دوراندیشی و حزم مشکلات را حل مینمایند ، و در گره گشائی حله و شتاب نموده ، با افکار خام و نپخته بر میزان آن تمی افزایند ، چه در موارد بسیاری ، موضوعات بسیار کوچکی ، در اثر شتابزدگی و خامی آنچنان پیچیده و دشوار میگردد که باین زودیها نمیتوان بحل آن موفق گشت ، و حال آنکه افراد بهت نیز گزین مسائل زندگی را ، با دوراندیشی و ابتکار حل نموده ، و گره ها را از یکدیگر باز مینمایند ، بدون اینکه هتانت روحی خود را از دست داده باشند .

زندگی و روانشناسی

با بدکاری کنیم که دشواریهای زندگی را بیشترین وجهی حل نمائیم . بدون اینکه بر شدت آن افزا بشودیم ، لذا باید در موارد بحرانی بدون شتابزدگی ، با عقل و کیاست ، تمام مقتضیات زمان و مکان ، و امکانات شخصی را در نظر گرفته ، آسانترین راه را انتخاب نموده با شجاعت اخلاقی در انجام آن تزلزلی بخود راه ندیم . در مواردی باید مشکل را با روح گذشت حل و فصل کرد .

نگاه علوم انسانی و مطالعات
رتال جامع علوم انسانی

از همه افراد نمیتوان یکنوع انتظار داشت، باید کمی روانشناس بود، همه موضوعات را از دریچه مصالح و منافع شخصی نیاید سنجید، باید در برخی از موارد خود را جای افراد بگذاریم، در چنین صورتی آشکار میگردد اگر ما هم بجای آنان بودیم از انتخاب طرز تفکرشان گزیری نداشتیم. در برخی از موارد عامل ناراحتیهای مأمول توابعات فوق العاده است که ما از دیگران داریم، و همین انتظارات بیجا و غیر متداول، سبب رنجش و ناراحتی، و در نتیجه باعث بروز دشمنیها و کینهها می گردد.

شجاعت اخلاقی

بزرگترین اشتباهی که ما در زندگی روزمره خود مرتکب میشویم، اینست که همیشه خود را ذیحق دانسته، حاضر نیستیم در هیچ موردی گناه و اشتباه را متوجه خود سازیم، و حال آنکه بدون اغراق در شبها نروزی بیشتر افکار و کردار ما عاری از تنس و اشتباه نمیشد، افراد برجسته و ممتاز کسانی هستند که با سراجحت هر چه تمامتری با اشتباهات خود اعتراف میکنند، و این روحیه حکایت از رشد روحی آنان مینماید، و حال آنکه دیگران سرپوشی روی اشتباهات خود گذاشته باین وسیله دچار اشتباهات بزرگتری میگرددند.

مطالعه تاریخی این واقعیت را آشکار میسازد که بزرگترین شخصیت‌های جهان، هیچگاه از اظهار اشتباه خود؛ خود داری نمیکرده اند؛ و بجای دامن زدن بر بغض و کینه و دشمنی باین اعتراف شجاعانه، دوست و همکار سمیعی پیدا نمیکرده اند.

اینست که از متفکرین بزرگ عصر حاضر بشمار میآید، بارها صریحاً گفته است که نصف نتایج افکارش، پس از مدتی که بآنها رجوع کرده؛ متوجه شده که خطا و اشتباه بوده است. *رسال جامع علوم انسانی*

در خاتمه باید خاطر نشان ساخت که بسیاری از همین موضوعات جزئی، تعادل روحی را بهم زده، لذت و نشاط زندگی را از ما سلب مینماید، و برای بهتر زنده گی کردن، ناچاریم همین امور جزئی را با اهتمام بیشتری مراعات نماییم.